

شناسایی عوامل مؤثر بر الگوهای مدیریت سود مبتنی بر فراترکیب و تحلیل مسیر

مسعود حاجی زاده^۱، رسول برادران حسن زاده^۲، یونس بادآور نهندي^۳

۱. گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

masoud.hajizadeh@iau.ir

۲. گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول).

1375801041@iau.ir

۳. گروه حسابداری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

1378282493@iau.ir

چکیده

مدیریت سود پدیده‌ای چندبعدی است و الزاماً به یک رفتار واحد در جهت افزایش یا کاهش سود محدود نمی‌شود. مدیران، ممکن است با توجه به شرایط عملکردی، اقتصادی، نظارتی و قراردادی، از الگوهای متفاوتی شامل شست‌وشوی بزرگ حداقل سازی سود، حداکثر سازی سود و هموار سازی سود استفاده کنند. از این رو، بررسی مدیریت سود در قالب یک سازه کلی ممکن است تفاوت میان عوامل مؤثر بر انواع مختلف این رفتار را پنهان کند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی عوامل مؤثر بر الگوهای چهارگانه مدیریت سود و تبیین مسیر اثرگذاری آنها انجام شده است. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی - همبستگی و با رویکرد آمیخته اکتشافی است. در مرحله کیفی، با استفاده از روش فراترکیب، ۷۱۳ مطالعه اولیه شناسایی و پس از غربالگری و ارزیابی، ۱۵۷ مطالعه شامل ۱۳۵ مطالعه خارجی و ۲۲ مطالعه داخلی مبنای استخراج عوامل قرار گرفتند. یافته‌های مرحله کیفی، عوامل مؤثر بر مدیریت سود را در ۱۲ گروه اصلی سازمان‌دهی کرد. در مرحله کمی، اطلاعات ۱۵۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ بررسی و ۱۳۸۶ مشاهده شرکت - سال با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی تحلیل شد. از ۴۸ مسیر ساختاری، ۳۸ مسیر معنادار بود. نتایج نشان داد مسیرهای اثرگذاری عوامل بر الگوهای مدیریت سود یکسان نیستند. معیارهای ریسک بیشترین اثر را بر شست‌وشوی بزرگ، ویژگی‌های نظارتی بیشترین اثر مطلق را بر حداقل سازی سود، ویژگی‌های عملکردی بیشترین اثر را بر حداکثر سازی سود و متغیرهای اقتصادی بیشترین اثر را بر هموار سازی سود داشتند. این یافته‌ها بر ضرورت تفکیک الگوهای مدیریت سود در تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار گزارشگری مالی تأکید دارد.

واژگان کلیدی: مدیریت سود، شست‌وشوی بزرگ، حداقل سازی سود، حداکثر سازی سود، هموار سازی سود، فراترکیب، تحلیل مسیر.

۱. مقدمه

سود گزارش شده یکی از مهم‌ترین خروجی‌های نظام گزارشگری مالی و از مبنای اصلی ارزیابی عملکرد اقتصادی واحد تجاری، تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و انعقاد بسیاری از قراردادهای مبتنی بر اطلاعات حسابداری است. با وجود این، سود حسابداری صرفاً حاصل انعکاس مستقیم رویدادهای اقتصادی نیست؛ بلکه اندازه‌گیری و گزارش آن در بسیاری از موارد مستلزم استفاده از برآوردها، قضاوت‌های حرفه‌ای و انتخاب میان رویه‌های مجاز حسابداری است. از این رو، نحوه اعمال اختیار عمل مدیریت در فرایند گزارشگری مالی می‌تواند بر میزان و زمان‌بندی سود گزارش شده اثرگذار باشد و همین موضوع، مدیریت سود را به یکی از محورهای پایدار پژوهش‌های حسابداری تبدیل کرده است (دجو، اسلون و سوئینی، ۱۹۹۵).

اهمیت مسئله زمانی آشکارتر می‌شود که مدیریت سود به عنوان رفتاری با جهت و انگیزه واحد در نظر گرفته نشود. مدیران همواره در پی افزایش سود گزارش شده نیستند؛ بلکه بسته به وضعیت عملکرد شرکت، محدودیت‌های قراردادی، فشارهای سیاسی و اقتصادی، شرایط بازار، ویژگی‌های نظام حاکمیت شرکتی و مرحله‌ای از چرخه فعالیت شرکت، ممکن است انگیزه کاهش سود، افزایش سود یا کاهش نوسان آن را داشته باشند. در نتیجه، شناسایی مدیریت سود در قالب یک شاخص کلی، اگرچه امکان سنجش شدت کلی این رفتار را فراهم می‌کند، الزاماً قادر به آشکار ساختن تفاوت میان سازوکارهایی نیست که به شکل‌گیری الگوهای متفاوت رفتار گزارشگری منجر می‌شوند. این تمایز از آن جهت اهمیت دارد که عاملی که مدیر را به سمت افزایش سود سوق می‌دهد، لزوماً همان عاملی نیست که انگیزه کاهش سود یا هموارسازی آن را ایجاد می‌کند.

ادبیات نظری مدیریت سود نیز از این ناهمگونی رفتاری حمایت می‌کند. در چارچوب نظریه نمایندگی، اختیار عمل مدیر و تعارض منافع میان مدیران و مالکان می‌تواند زمینه استفاده فرصت‌طلبانه از اطلاعات و رویه‌های حسابداری را فراهم کند. از سوی دیگر، نظریه اثباتی حسابداری بر نقش انگیزه‌های قراردادی و سیاسی در انتخاب رویه‌های حسابداری تأکید دارد. بر این اساس، پدیده مدیریت سود را نمی‌توان مستقل از محیطی که شرکت در آن فعالیت می‌کند و انگیزه‌هایی که در هر مقطع زمانی بر تصمیم‌های مدیریت حاکم است، تفسیر کرد. بنابراین، انتظار می‌رود مجموعه عوامل مؤثر بر مدیریت سود نه تنها از نظر شدت اثر، بلکه از نظر جهت اثرگذاری و نوع الگوی رفتاری حاصل از آن نیز متفاوت باشد.

در سال‌های اخیر، شواهد پژوهشی نیز بر چندبعدی بودن مدیریت سود و ضرورت تفکیک انواع آن تأکید بیشتری داشته‌اند. آل‌اسفور (۲۰۲۶) با بررسی ۱۰۰ مطالعه اثرگذار در حوزه مدیریت سود نشان داد که این حوزه از نظر مبانی نظری، شواهد تجربی و شیوه‌های اندازه‌گیری، از تنوع قابل توجهی برخوردار است. همچنین لیو و همکاران (۲۰۲۶) در یک مرور نظام‌مند از ۱۱۱ مطالعه مربوط به هموارسازی سود، عوامل تعیین‌کننده این رفتار را در حوزه‌هایی همچون استانداردهای گزارشگری مالی، ویژگی‌های شرکت، حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های مدیریتی و محیط کلان اقتصادی طبقه‌بندی کردند. این شواهد نشان می‌دهد

که بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت سود، بدون توجه به نوع رفتار مورد بررسی، می‌تواند بخشی از تفاوت‌های موجود در انگیزه‌ها و سازوکارهای تصمیم‌گیری مدیران را نادیده بگیرد.

در میان الگوهای مختلف مدیریت سود، شست‌وشوی بزرگ، حداقل‌سازی سود، حداکثرسازی سود و هموارسازی سود از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند؛ زیرا هر یک بیانگر جهت و منطق متفاوتی از مداخله مدیریتی در فرایند گزارشگری مالی هستند. شست‌وشوی بزرگ معمولاً در شرایطی مورد توجه قرار می‌گیرد که مدیریت، زیان‌ها و هزینه‌های قابل شناسایی را در یک دوره نامطلوب متمرکز می‌کند تا زمینه بهبود سود دوره‌های بعد فراهم شود. شواهد جوی و همکاران (۲۰۲۴) نیز نشان داده است که شست‌وشوی بزرگ با پیامدهای قابل توجهی برای فرایند حسابرسی همراه است و ارتباط آن در شرایط ضعف حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر، تقویت می‌شود. در مقابل، حداقل‌سازی و حداکثرسازی سود به ترتیب بر جهت کاهشی و افزایشی سود گزارش شده تمرکز دارند و هموارسازی سود نیز ناظر بر مدیریت نوسان سود در طول زمان است. بنابراین، حتی در صورت قرار گرفتن هر چهار رفتار ذیل عنوان کلی «مدیریت سود»، انتظار نمی‌رود عوامل مؤثر بر آنها از الگوی یکسانی پیروی کنند.

با وجود گسترش مطالعات مربوط به مدیریت سود، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های تجربی، عوامل تعیین‌کننده را در ارتباط با یک معیار کلی مدیریت سود بررسی کرده‌اند یا بر یک شکل خاص از آن، مانند مدیریت سود تعهدی، مدیریت سود واقعی یا هموارسازی سود تمرکز داشته‌اند. در چنین رویکردی، تفاوت میان مسیرهای اثرگذاری عوامل اقتصادی، ریسک، حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های نظارتی، شرایط بازار، عملکرد شرکت و محدودیت‌های مالی بر الگوهای متفاوت مدیریت سود کمتر مورد توجه قرار گرفته است. افزون بر این، مطالعاتی که مجموعه گسترده‌ای از عوامل را به صورت یک چارچوب منسجم گردآوری کرده‌اند، کمتر به این پرسش پرداخته‌اند که آیا یک عامل مشخص، بر اساس نوع الگوی مدیریت سود، اثر یکسان، متفاوت یا حتی معکوس ایجاد می‌کند.

این خلأ در بستر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. ساختار مالکیت، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، محیط اقتصادی، نوسان‌های ارزی و تورمی، محدودیت‌های تأمین مالی، شرایط بازار سرمایه و فشارهای ناشی از محیط اقتصادی و سیاسی در ایران، مجموعه‌ای از شرایط زمینه‌ای را ایجاد می‌کنند که می‌تواند انگیزه‌ها و فرصت‌های مدیریت سود را تحت تأثیر قرار دهد. شواهد مربوط به شرکت‌های ایرانی نیز نشان داده است که شوک‌های محیط سیاسی و اقتصادی می‌توانند با انواع مختلف مدیریت سود ارتباط متفاوتی داشته باشند؛ برای نمونه، پژوهشی درباره آثار تحریم‌های سیاسی بر شرکت‌های پذیرفته‌شده در ایران نشان داده است که این شوک‌ها با مدیریت سود واقعی ارتباط مثبت

داشته‌اند، در حالی که برای مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی اثر معناداری مشاهده نشده است. چنین شواهدی ضرورت تفکیک انواع رفتار مدیریت سود و بررسی زمینه‌ای عوامل مؤثر بر آنها را برجسته می‌کند.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر صرفاً شناسایی فهرستی از عوامل مؤثر بر مدیریت سود نیست؛ بلکه تعیین این موضوع است که عوامل مختلف، از چه مسیرهایی و با چه جهت و شدتی، به شکل‌گیری الگوهای متفاوت مدیریت سود منجر می‌شوند. برای پاسخ به این مسئله، پژوهش حاضر ابتدا با استفاده از روش فراترکیب، شواهد موجود در مطالعات پیشین را تجمیع و عوامل مؤثر بر مدیریت سود را در قالب مجموعه‌ای منسجم از گروه‌های عاملی سازمان‌دهی می‌کند و سپس با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، مسیر اثرگذاری این عوامل را بر چهار الگوی شست‌وشوی بزرگ، حداقل‌سازی سود، حداکثرسازی سود و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران آزمون می‌کند.

اهمیت پژوهش از این منظر است که به جای برخورد با مدیریت سود به‌عنوان یک رفتار همگن، تفاوت میان الگوهای رفتاری آن را در کانون تحلیل قرار می‌دهد. در این چارچوب، مقایسه همزمان مسیرهای اثرگذاری ۱۲ گروه عامل بر چهار الگوی مدیریت سود امکان می‌دهد مشخص شود آیا عوامل اقتصادی، صنعتی، کیفیت اطلاعات مالی، ریسک، ویژگی‌های نظارتی، حاکمیت شرکتی، بازار، فشار سیاسی، ویژگی‌های مدیریتی، عملکرد، راهبردهای شرکت و محدودیت‌های مالی، در الگوهای مختلف مدیریت سود نقش مشابهی دارند یا شدت و جهت اثر آنها با تغییر نوع رفتار مدیریت سود تغییر می‌کند. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد بخشی از شکاف موجود میان ادبیات کلی مدیریت سود و تبیین تفکیک‌شده الگوهای رفتاری آن را پوشش دهد.

۲. بیان مساله

سود حسابداری یکی از مهم‌ترین برون‌دادهای نظام گزارشگری مالی و یکی از مبانی اصلی ارزیابی عملکرد شرکت، تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و ارزیابی نتایج اقتصادی واحد تجاری است. با این حال، سود گزارش‌شده الزاماً انعکاس مکانیکی عملکرد اقتصادی شرکت نیست؛ زیرا اندازه‌گیری بسیاری از اقلام حسابداری با برآورد، قضاوت حرفه‌ای و انتخاب میان رویه‌های حسابداری همراه است. همین ویژگی، برای مدیریت امکان ایجاد اختیار عمل در فرایند شناسایی و اندازه‌گیری برخی اقلام فراهم می‌کند و زمینه شکل‌گیری رفتارهای متفاوت در گزارشگری سود را به وجود می‌آورد. در ادبیات تجربی حسابداری، یکی از مهم‌ترین رویکردها برای شناسایی این رفتارها، تمرکز بر اقلام تعهدی اختیاری است. جونز (۱۹۹۱) از نخستین مطالعات اثرگذار در این زمینه، تغییرات اقلام تعهدی را برای بررسی رفتار مدیریت سود در شرایطی به کار گرفت که مدیران انگیزه کاهش سود گزارش‌شده داشتند؛ دچو، اسلون و سوئینی (۱۹۹۵) نیز با ارزیابی مدل‌های مختلف اندازه‌گیری اقلام تعهدی، محدودیت‌ها و توان آنها را در شناسایی مدیریت سود بررسی کردند.

باوجود این، مدیریت سود را نمی‌توان رفتاری یک‌بعدی و همسان در همه شرکت‌ها و همه دوره‌ها تلقی کرد. مدیر ممکن است در یک وضعیت اقتصادی یا قراردادی، انگیزه افزایش سود گزارش شده داشته باشد و در وضعیتی دیگر، کاهش سود یا کاهش نوسان آن را مطلوب بداند. این تفاوت در انگیزه و جهت رفتار، اهمیت تفکیک الگوهای مختلف مدیریت سود را آشکار می‌کند. در پژوهش حاضر، چهار الگوی شست‌وشوی بزرگ، حداقل‌سازی سود، حداکثرسازی سود و هموارسازی سود مورد توجه قرار گرفته‌اند. شست‌وشوی بزرگ به شرایطی اشاره دارد که مدیریت می‌تواند زیان‌ها یا هزینه‌های قابل توجه را در یک دوره نامطلوب شناسایی کند و از این طریق مبنایی برای بهبود عملکرد گزارش شده در دوره‌های بعد فراهم آورد. حداقل‌سازی سود بر رفتارهای کاهنده سود گزارش شده، حداکثرسازی سود بر رفتارهای افزایشنده سود گزارش شده و هموارسازی سود بر کاهش نوسان سود در طول زمان تمرکز دارد. از این رو، انتظار نظری آن است که عوامل مؤثر بر این چهار الگو لزوماً از جهت و شدت یکسانی برخوردار نباشند.

تبیین این تفاوت‌ها را می‌توان در وهله نخست بر مبنای نظریه نمایندگی صورت داد. جدایی مالکیت از مدیریت موجب می‌شود اهداف مدیران و مالکان الزاماً یکسان نباشد و عدم تقارن اطلاعاتی نیز امکان برخورداری مدیر از اطلاعاتی بیش از مالکان و سایر استفاده‌کنندگان را فراهم کند. جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶) نشان دادند که جدایی مالکیت و کنترل می‌تواند به شکل‌گیری هزینه‌های نمایندگی منجر شود. در چنین شرایطی، گزارشگری مالی یکی از عرصه‌هایی است که در آن تضاد منافع و اختیار عمل مدیریت می‌تواند خود را نشان دهد. بنابراین، سازوکارهای نظارتی و حاکمیتی، ساختار مالکیت، استقلال هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی و ویژگی‌های مدیریتی می‌توانند دامنه اختیار عمل مدیریت را محدود یا تقویت کنند و در نتیجه، بر نحوه شکل‌گیری رفتارهای مدیریت سود اثرگذار باشند.

در کنار نظریه نمایندگی، نظریه اثباتی حسابداری چارچوب دیگری برای تبیین تفاوت در انگیزه‌های مدیریت سود فراهم می‌کند. این نظریه انتخاب‌های حسابداری را در ارتباط با منافع قراردادی و سیاسی مدیران تحلیل می‌کند. بر اساس این چارچوب، انگیزه‌های مرتبط با پاداش، قرارداد بدهی و هزینه‌های سیاسی می‌توانند جهت انتخاب‌های حسابداری را تغییر دهند. بنابراین، اگر افزایش سود بتواند در دستیابی به پاداش یا کاهش احتمال نقض محدودیت‌های قراردادی مؤثر باشد، انگیزه حداکثرسازی سود تقویت می‌شود؛ در مقابل، هنگامی که کاهش سود بتواند فشارهای سیاسی یا برخی هزینه‌های ناشی از دیده‌شدن عملکرد شرکت را کاهش دهد، انگیزه حداقل‌سازی سود می‌تواند اهمیت بیشتری پیدا کند. در این چارچوب، مدیریت سود نه یک رفتار ثابت، بلکه رفتاری وابسته به شرایط اقتصادی، قراردادی و نهادی شرکت تلقی می‌شود.

این استدلال نظری با شواهد تجربی موجود نیز همخوان است. برای مثال، جونز (۱۹۹۱) در زمینه بررسی‌های حمایت‌وارداتی نشان داد که شرکت‌هایی که از تصمیم‌های مربوط به حمایت‌وارداتی منتفع می‌شدند، انگیزه‌هایی برای کاهش سود گزارش شده

داشتند. اهمیت این یافته برای پژوهش حاضر در آن است که نشان می‌دهد فشارها و انگیزه‌های محیطی می‌توانند جهت رفتار مدیریت سود را تعیین کنند و بنابراین، تحلیل مدیریت سود بدون توجه به نوع انگیزه ممکن است تفاوت میان رفتارهای کاهنده و افزایشنده سود را پنهان کند.

شواهد جدیدتر نیز بر ضرورت تفکیک الگوهای مدیریت سود تأکید دارند. چوی، کریم و ژانگ (۲۰۲۴) در بررسی شست‌وشوی بزرگ نشان دادند که شرکت‌های دارای شست‌وشوی بزرگ با حق‌الزحمه حسابرسی بالاتری مواجه‌اند و این رابطه در شرکت‌هایی که حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر و عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری دارند، قوی‌تر است. این یافته نشان می‌دهد که شست‌وشوی بزرگ صرفاً یک رفتار مرتبط با اقلام تعهدی نیست، بلکه ویژگی‌های حاکمیتی و اطلاعاتی شرکت نیز در شکل‌گیری و پیامدهای آن اهمیت دارند (چوی، کریم و ژانگ، ۲۰۲۴: ۱۷۸۹-۱۸۲۷).

در زمینه هموارسازی سود نیز مرور نظام‌مند لیو و همکاران (۲۰۲۶) نشان می‌دهد که عوامل تعیین‌کننده این رفتار در حوزه‌های متعددی از جمله استانداردهای گزارشگری مالی، ویژگی‌های شرکت، حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های مدیریتی و محیط کلان قرار می‌گیرند. این مطالعه با بررسی ۱۱۱ پژوهش تجربی منتشرشده در فاصله سال‌های ۲۰۰۴ تا سه‌ماهه نخست سال ۲۰۲۵، نشان می‌دهد که هموارسازی سود تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل در سطوح مختلف قرار دارد و نمی‌توان آن را به یک عامل منفرد نسبت داد (لیو و همکاران، ۲۰۲۶: ۲۴۸-۳۰۱). اهمیت این یافته برای پژوهش حاضر در آن است که ضرورت نگاه چندعاملی به رفتار مدیریت سود را تأیید می‌کند؛ با این حال، مرور مطالعات هموارسازی سود عمدتاً بر همین الگوی خاص متمرکز است و الزاماً مسیرهای اثرگذاری عوامل را به صورت همزمان با سایر الگوهای مدیریت سود مقایسه نمی‌کند.

از سوی دیگر، شواهد مربوط به محیط ایران نیز نشان می‌دهد که شرایط محیطی ممکن است از طریق سازوکارهای متفاوت بر انواع مدیریت سود اثر بگذارد. برای نمونه، وهدی و همکاران (۲۰۲۵) در بررسی اثر تحریم‌های سیاسی بر مدیریت سود شرکت‌های ایرانی، میان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت سود واقعی تمایز قائل شدند و نشان دادند که تحریم‌ها اثر معناداری بر مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی نداشتند، در حالی که رابطه مثبتی میان تحریم‌ها و مدیریت سود واقعی مشاهده شد. این نتیجه، صرف‌نظر از تفاوت میان نوع مدیریت سود مورد بررسی در آن مطالعه و الگوهای موردنظر پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که شرایط محیطی یکسان الزاماً به شکل‌گیری یک نوع رفتار گزارشگری منجر نمی‌شود.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر از یک خلأ صرفاً موضوعی ناشی نمی‌شود؛ زیرا مدیریت سود، اقلام تعهدی، هموارسازی سود و حتی شست‌وشوی بزرگ هر یک در مطالعات متعددی بررسی شده‌اند. خلأ اصلی در نحوه سازمان‌دهی و پیوند این شواهد قرار دارد. بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین یک یا چند عامل مشخص را در ارتباط با مدیریت سود بررسی کرده‌اند یا بر یک الگوی خاص از مدیریت سود تمرکز داشته‌اند. در نتیجه، هنوز نیاز به چارچوبی وجود دارد که عوامل پراکنده

شناسایی شده در ادبیات را در قالب گروه‌های منسجم گردآوری کند و سپس نشان دهد که هر گروه از عوامل چگونه و با چه جهتی بر الگوهای متفاوت مدیریت سود اثر می‌گذارد. این خلأ در محیط شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا شرکت‌های ایرانی همزمان با مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، بازار، ریسک، حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های مدیریتی، فشارهای سیاسی و محدودیت‌های مالی مواجه‌اند. بنابراین، استفاده از یک شاخص کلی برای مدیریت سود ممکن است تفاوت در جهت و شدت روابط را پنهان کند. برای مثال، عاملی که تحت شرایط خاص موجب کاهش سود گزارش شده می‌شود، لزوماً نباید بر رفتار حداکثرسازی سود نیز همان اثر را داشته باشد. همچنین، سازوکاری که می‌تواند از رفتار فرصت‌طلبانه مدیریت جلوگیری کند، ممکن است بر شست‌وشوی بزرگ، حداقل‌سازی سود، حداکثرسازی سود و هموارسازی سود آثار متفاوتی داشته باشد. پژوهش حاضر برای پاسخ به این خلأ، ابتدا شواهد مطالعات پیشین را با استفاده از روش فراترکیب گردآوری و ترکیب می‌کند و عوامل مؤثر بر مدیریت سود را در قالب مجموعه‌ای منسجم از گروه‌های عاملی استخراج می‌کند. سپس این عوامل در قالب یک مدل ساختاری قرار می‌گیرند تا مسیرهای ارتباط آنها با چهار الگوی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شود. بنابراین، نوآوری پژوهش حاضر صرفاً در شناسایی عوامل جدید یا استفاده از روش معادلات ساختاری نیست؛ بلکه در تفکیک مدیریت سود به چهار الگوی متمایز و بررسی همزمان مسیر، جهت و شدت ارتباط گروه‌های مختلف عوامل با هر یک از این الگوها قرار دارد.

بر این اساس، مسئله محوری پژوهش حاضر در قالب پرسش زیر صورت‌بندی می‌شود:

عوامل تبیین‌کننده مدیریت سود چگونه و با چه جهت و شدتی بر الگوهای شست‌وشوی بزرگ، حداقل‌سازی سود، حداکثرسازی سود و هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر می‌گذارند؟

۳. سؤالات پژوهش

با توجه به ماهیت اکتشافی مرحله فراترکیب و استخراج روابط میان سازه‌ها از ادبیات، روابط شناسایی شده در قالب مدل ساختاری آزمون شدند و به جای تدوین فرضیه‌های از پیش تعیین‌شده، معناداری ضرایب مسیر میان سازه‌های تبیین‌کننده و چهار الگوی مدیریت سود مورد ارزیابی قرار گرفت.

- عوامل تبیین‌کننده چگونه بر شست‌وشوی بزرگ اثر می‌گذارند؟
- عوامل تبیین‌کننده چگونه بر حداقل‌سازی سود اثر می‌گذارند؟
- عوامل تبیین‌کننده چگونه بر حداکثرسازی سود اثر می‌گذارند؟
- عوامل تبیین‌کننده چگونه بر هموارسازی سود اثر می‌گذارند؟

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - همبستگی و با رویکرد آمیخته اکتشافی است. مرحله نخست به روش فراترکیب و مرحله دوم به روش کمی و مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر حداقل مربعات جزئی انجام شد. در مرحله کیفی، ۷۱۳ مطالعه اولیه شناسایی و پس از غربالگری و ارزیابی کیفیت، ۱۵۷ مطالعه شامل ۱۳۵ مطالعه خارجی و ۲۲ مطالعه داخلی وارد فراترکیب نهایی شدند. حاصل این مرحله، استخراج و سازمان‌دهی عوامل مؤثر در ۱۲ گروه اصلی بود.

در مرحله کمی، ۱۵۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ بررسی شد و در مجموع ۱۳۸۶ مشاهده شرکت - سال به دست آمد. با توجه به تکرار شرکت‌ها در سال‌های مختلف، داده‌ها ماهیت تابلویی دارند و وابستگی مشاهدات درون شرکت باید هنگام تفسیر نتایج استنباطی مورد توجه قرار گیرد.

آزمون کولموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن نشان داد سطح معناداری برابر ۰/۰۰۲ است. میانگین عامل تورم واریانس برابر ۲/۳۴۵ گزارش شد. آزمون وولدریج با سطح معناداری ۰/۰۸۰ و آزمون بروش - پاکان با سطح معناداری انجام شد. آزمون‌های ایستایی لوین - لین - چو و ایم - پسران - شین نیز به ترتیب سطوح معناداری ۰/۰۰۰ و ۰/۰۰۱ و ۰/۳۲۴ داشتند. انتخاب مدل حداقل مربعات جزئی بر ماهیت اکتشافی پژوهش، پیچیدگی مدل و هدف تبیین مسیرها استوار بود و صرفاً بر غیرنرمال بودن داده‌ها مبتنی نشد.

۵. تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیرهای این پژوهش شامل دو دسته کلی هستند: متغیرهای مستقل (عوامل مؤثر - ۴۸ شاخص در ۱۲ گروه) و متغیرهای وابسته (الگوهای مدیریت سود - ۴ الگو). جدول (۱) تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل و جدول (۲) تعریف عملیاتی متغیرهای وابسته را نشان می‌دهد. از میان ۱۲ گروه شناسایی‌شده، تنها گروه «کیفیت اطلاعات مالی» ماهیت بازتابی و ۱۱ گروه دیگر ماهیت تشکیل‌دهنده دارند (دیامانتوپولوس و وینکلهورفر، ۲۰۰۱؛ هیر و همکاران، ۲۰۱۴).

جدول (۱): تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل (۴۸ شاخص در ۱۲ گروه)

مبنای نظری	فرمول محاسبه	شاخص	گروه
هادریک و پرسکات (۱۹۹۷)	فیلتر هودریک-پرسکات - تفکیک سال‌های رکود (کد ۱) و رونق (کد ۰)	چرخه تجاری	متغیرهای اقتصادی
-	$\Delta GDP_t = \frac{GDP_t - GDP_{t-1}}{GDP_{t-1}}$	نوسانات تولید ناخالص داخلی	
-	$\Delta ExchangeRate_t = \frac{ExchangeRate_t - ExchangeRate_{t-1}}{ExchangeRate_{t-1}}$	نوسانات نرخ ارز	
-	$\Delta Inflation_t = \frac{CPI_t - CPI_{t-1}}{CPI_{t-1}}$	نوسانات نرخ تورم	
-	$\Delta Liquidity_t = \frac{M_{\Psi_t} - M_{\Psi_{t-1}}}{M_{\Psi_{t-1}}}$	نوسانات حجم نقدینگی	
-	$\Delta InterestRate_t = \frac{InterestRate_t - InterestRate_{t-1}}{InterestRate_{t-1}}$	نوسانات نرخ بهره	
بیکر و همکاران (۲۰۱۶)	$MII_t = \frac{\Delta CPI_t}{\sigma_{CPI}} + \frac{\Delta ExchangeRate_t}{\sigma_{ExchangeRate}} + \frac{\Delta M_{\Psi_t}}{\sigma_{M2}}$	عدم قطعیت سیاست اقتصادی	

دچو و همکاران (۲۰۱۰)	تعداد شرکت‌های فعال صنعت	تعداد کل شرکت‌های پذیرفته‌شده در هر صنعت؛ تفکیک به پویا (بالای میانه، کد ۱) و غیرپویا (کد ۰)	عوامل صنعت
-	نوع صنعت	صنایع غذایی و دارویی (کد ۱) و سایر صنایع (کد ۰)	
دچو، کوتاری و وردی (۲۰۱۱)	قابلیت مقایسه اطلاعات مالی	$E(NI)_{it} = \hat{\beta}_i + \hat{\beta}_i RET_{it}$	کیفیت اطلاعات مالی
جنسن (۱۹۷۶)	کیفیت افشا	چک‌لیست افشای جنسن - امتیازدهی به اقلام افشایی	
-	انحراف معیار بازده دارایی‌ها	$ROA_{it} = \frac{OperatingIncome_{it}}{Assets_{it}}$	معیارهای ریسک
-	ریسک بحران مالی	سه سال متوالی زیان‌ده و مشمول ماده ۱۴۱ (کد ۱)	
-	ریسک تجاری	$OperatingIncome_{it} = \beta_0 + \beta_1 Sales_{it} + \varepsilon_{it}$	
-	ریسک مالی	$NetIncome_{it} = \beta_0 + \beta_1 OperatingIncome_{it} + \varepsilon_{it}$	
مدل بازار	ریسک سیستماتیک	$\beta_i = \frac{Cov(R_i, R_m)}{Var(R_m)}$	
مدل بازار	ریسک غیرسیستماتیک	واریانس تفاوت بازده واقعی با بازده مورد انتظار	

ویژگی‌های نظارتی	تخصص صنعت حسابرس	سهم بازار مؤسسه حسابرسی در هر صنعت	کراسول و همکاران (۱۹۹۵)
	اندازه حسابرس	سازمان حسابرسی، مفید راهبر و مؤسسات رتبه‌الف (کد ۱) / سایر (کد ۰)	-
	نوع اظهارنظر حسابرس	مقبول (کد ۱) / تعدیل شده (کد ۰)	-
	دوره تصدی حسابرس	بالای میانه (کد ۱) / سایر (کد ۰)	-
	استقلال کمیته حسابرسی	نسبت اعضای مستقل به کل اعضا	-
	تخصص مالی رئیس کمیته حسابرسی	مدارک حرفه‌ای و کارشناسی حسابداری (کد ۱) / غیر (کد ۰)	-
	تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی	نسبت اعضای دارای مدارک حرفه‌ای	-
ساختار حاکمیت شرکتی	مالکیت نهادی	مجموع سهام سهامداران با مالکیت بیش از ۵ درصد	جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)

-	بالای میانه صنعت (کد ۱) / سایر (کد ۰)	تعداد اعضای هیأت مدیره	
فاما و جنسن (۱۹۸۳)	نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضا	استقلال هیأت مدیره	
جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۶)	درصد سهام اعضای هیأت مدیره به کل سرمایه	مالکیت مدیریتی	
-	نسبت سهام تحت تملک دولت	مالکیت دولتی	
فاما و جنسن (۱۹۸۳)	هم‌زمانی مدیرعامل با ریاست هیأت (کد ۱)	دوگانگی مدیرعامل	
-	مدرک در رشته‌های مالی/حسابداری (کد ۱)	دانش مالی مدیرعامل	
آدامز و فریرا (۲۰۰۹)	حداقل یک زن در هیأت مدیره (کد ۱)	جنسیت زن در هیأت مدیره	
دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲)	مدل داده‌پوشی (DEA) و رگرسیون	توانایی مدیریت	
-	مقدار سهام قابل معامله در آینده نزدیک	سهام شناور	

معیارهای بازار	حجم معاملات	میانگین حساسی حجم ریالی معاملات روزانه	-
	نسبت گردش سهام	تعداد سهام معامله شده روزانه / تعداد سهام در دست سهامداران	-
	نرخ رشد قیمت سهام	تغییرات قیمت هر سهم در هر سال	-
	بازده سهام	$R_{it} = \frac{P_{it}(1 + \alpha + \beta) - (P_{it-1} + C\alpha) + DPS}{P_{it-1} + C\alpha}$	-
	نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری	ارزش بازار هر سهم / ارزش دفتری هر سهم	-
	نسبت قیمت به سود هر سهم	قیمت هر سهم / سود هر سهم	-
	نسبت قیمت به فروش	قیمت هر سهم / فروش هر سهم	-
ویژگی‌های مرتبط با فشار سیاسی	اندازه شرکت	$Firm\ Size_{it} = Ln(Assets_{it})$	واتس و زیمرمن (۱۹۸۶)
	نسبت بدهی‌های بلندمدت	$LongTermDebt_{it} = \frac{LongTerm\ Debt_{it}}{Assets_{it}}$	واتس و زیمرمن (۱۹۸۶)

	نسبت فروش صادراتی	$ExportSales_{it} = \frac{Foreign Sales_{it}}{Total Sales_{it}}$	-
ویژگی‌های مدیریتی	توانایی مدیریت	مطابق با گروه ششم (ساختار حاکمیت شرکتی) محاسبه شده است	دمیرجیان و همکاران (۲۰۱۲)
ویژگی‌های عملکردی	نرخ بازده دارایی‌ها ((ROA	$ROA_{it} = \frac{Operating Income_{it}}{Assets_{it}}$	هیلی (۱۹۸۵)
	نرخ بازده حقوق صاحبان سهام ((ROE	$ROE_{it} = \frac{Net Income_{it}}{Equity_{it}}$	-
	رشد سود هر سهام	تغییرات سود هر سهم نسبت به سال قبل	-
	حقوق صاحبان سهام به دارایی‌ها	ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام / کل دارایی‌ها	-
استراتژی‌های شرکت	انحراف استراتژیک از صنعت	$Z = \frac{X - \mu}{\sigma}$ (شش بعد استاندارد سازی شده)	بتلی و همکاران (۲۰۱۳)

	متنوع سازی تجاری	<i>Business Diversification</i> $= \sum_{i=1}^n \left(P_i \times \ln \left(\frac{1}{P_i} \right) \right)$	شاخص آنتروپی
	متنوع سازی جغرافیایی	شاخص آنتروپی بر اساس سهم فروش هر منطقه	شاخص آنتروپی
	استراتژی های تهاجمی	مجموع امتیازات پنج شاخص به پنجک های ۱ تا ۵	ایتنر و همکاران (۱۹۹۷)
محدودیت های مالی	سن شرکت	$Ln \left(\text{سال تأسیس} - \text{سال مورد بررسی} \right)$	-
	چرخه عمر شرکت	مدل آنتونی و رامش - شرکت های نوپا (کد ۱) / سایر (کد ۰)	آنتونی و رامش (۱۹۹۲)
	سود نقدی به سود هر سهم	سود نقدی هر سهم / سود هر سهم	-
	سود انباشته به دارایی ها	$\frac{Retained Earnings_{it}}{Assets_{it}}$	-

جدول (۲): تعریف عملیاتی متغیرهای وابسته (الگوهای مدیریت سود)

مبنای نظری	فرمول/روش اندازه گیری	تعریف عملیاتی	الگوی مدیریت سود
اسکات (۲۰۰۹)؛ جردن و کلارک (۲۰۰۴)؛ بورنمن و همکاران (۲۰۱۵)	شناسایی زیان غیرعادی و سود غیرعادی به همراه اقلام تعهدی اختیاری منفی و معکوس شونده	شرکتی که در سال جاری زیان غیرعادی (بیش از ۲ انحراف معیار پایین تر از میانگین صنعت) گزارش کرده و در سال بعد سود غیرعادی (بیش از ۱ انحراف معیار بالاتر از میانگین صنعت) داشته باشد و اقلام تعهدی اختیاری منفی در سال جاری و معکوس شونده در سال بعد مشاهده گردد.	شستشوی بزرگ
اسکات (۲۰۰۹)؛ واتس و	اقلام تعهدی اختیاری منفی + نسبت سود خالص به فروش کمتر از میانگین صنعت	شرکتی که در دوره های سودآوری بالا، اقلام تعهدی اختیاری منفی داشته و نسبت سود	حداقل سازی سود

	خالص به فروش آن به طور معناداری کمتر از میانگین صنعت باشد.		زیمرن (۱۹۸۶)
حداکثر سازی سود	شرکتی که اقلام تعهدی اختیاری مثبت داشته و نسبت سود خالص به فروش آن به طور معناداری بالاتر از میانگین صنعت باشد و دارای انگیزه های پاداش یا نسبت بدهی بالا باشد.	اقلام تعهدی اختیاری مثبت + نسبت سود خالص به فروش بالاتر از میانگین صنعت	اسکات (۲۰۰۹)؛ هیلی (۱۹۸۵)؛ واتس و زیمرن (۱۹۸۶)
هموار سازی سود	همبستگی منفی بین تغییرات اقلام تعهدی اختیاری و تغییرات سود مدیریت نشده	$Smoothing_{it}$ $= Corr(\Delta DA_{it}, \Delta PreDA_Earnings_{it})$	اسکات (۲۰۰۹)؛ بارنثا، رونن و سادان (۱۹۷۶)؛ تاكر و زاروین (۲۰۰۶)

نکته: اقلام تعهدی اختیاری (DA) با استفاده از مدل تعدیل شده جونز (دجو، اسلون و سوئینی، ۱۹۹۵) برآورد

می شود:

$$\frac{TAC_{it}}{A_{it-1}} = \beta_0 + \beta_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \beta_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

$$DA_{it} = \frac{TAC_{it}}{A_{it-1}} - \left[\hat{\beta}_0 + \hat{\beta}_1 \left(\frac{1}{A_{it-1}} \right) + \hat{\beta}_2 \left(\frac{\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it}}{A_{it-1}} \right) + \hat{\beta}_3 \left(\frac{PPE_{it}}{A_{it-1}} \right) \right]$$

که در آن TAC = کل اقلام تعهدی، A = کل دارایی‌ها، ΔREV = تغییرات فروش، ΔREC = تغییرات حساب‌های دریافتنی، PPE = دارایی‌های ثابت مشهود.

۶. یافته‌های پژوهش

ابتدا یافته‌های مرحله فراترکیب ارائه می‌گردد:

۶-۱- یافته‌های مرحله فراترکیب

در مرحله نخست پژوهش، پس از جست‌وجو، غربالگری و ارزیابی مطالعات شناسایی‌شده، از مجموع ۷۱۳ مطالعه اولیه، ۱۵۷ مطالعه واجد شرایط برای ورود به مرحله فراترکیب تشخیص داده شد. از این تعداد، ۱۳۵ مطالعه مربوط به پژوهش‌های خارجی و ۲۲ مطالعه مربوط به پژوهش‌های انجام‌شده در ایران بود. بنابراین، مطالعات خارجی ۸۶،۰ درصد و مطالعات ایرانی ۱۴،۰ درصد کل مطالعات نهایی را تشکیل دادند.

جدول ۱- توزیع مطالعات منتخب مرحله فراترکیب

درصد	فراوانی	نوع مطالعه
۸۶،۰	۱۳۵	مطالعات خارجی
۱۴،۰	۲۲	مطالعات ایرانی
۱۰۰،۰	۱۵۷	جمع

نتایج نشان می‌دهد که بخش عمده مطالعات مورد استفاده در مرحله فراترکیب متعلق به ادبیات خارجی است. این وضعیت با توجه به گستردگی ادبیات بین‌المللی مدیریت سود و تعداد محدودتر مطالعات داخلی در زمینه تفکیک الگوهای مختلف

مدیریت سود قابل انتظار است. بااین حال، مطالعات ایرانی نیز به صورت مستقل بررسی شدند تا عوامل استخراج شده با ویژگی های محیط نهادی و اقتصادی ایران سازگار شوند.

۶-۲- توزیع فراوانی مطالعات بر اساس دوره انتشار

به منظور بررسی پراکندگی زمانی مطالعات وارد شده به فراترکیب، مطالعات منتخب بر اساس دوره انتشار طبقه بندی شدند. نتایج نشان می دهد بخش قابل توجهی از مطالعات منتخب در سال های اخیر منتشر شده اند و از این رو، یافته های فراترکیب علاوه بر مطالعات پایه، دیدگاه های جدید درباره مدیریت سود، حاکمیت شرکتی، ریسک، محدودیت های مالی و شرایط اقتصادی را نیز دربرمی گیرد.

جدول ۲- توزیع مطالعات منتخب بر اساس دوره انتشار

درصد	فراوانی	دوره انتشار
۲۷،۴	۴۳	۲۰۲۳ تا ۲۰۲۶
۲۴،۸	۳۹	۲۰۲۰ تا ۲۰۲۲
۲۳،۶	۳۷	۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹
۱۴،۰	۲۲	۲۰۱۵ تا ۲۰۱۶
۱۰،۲	۱۶	مطالعات ایرانی در دوره مورد بررسی
۱۰۰،۰	۱۵۷	جمع

۶-۳- شناسایی و طبقه بندی عوامل مؤثر بر الگوهای مدیریت سود

نتایج کدگذاری و ترکیب مطالعات منتخب نشان داد که عوامل مؤثر بر الگوهای مدیریت سود را می توان در ۱۲ گروه اصلی طبقه بندی کرد. در مرحله نهایی کدگذاری، ۴۸ شاخص در قالب این ۱۲ گروه سازمان دهی شدند.

جدول ۳- توزیع شاخص‌های استخراج‌شده در گروه‌های اصلی عوامل

ردیف	گروه عوامل	تعداد شاخص
۱	عوامل اقتصادی	۶
۲	عوامل صنعت	۲
۳	کیفیت اطلاعات مالی	۲
۴	معیارهای ریسک	۶
۵	ویژگی‌های مقرراتی	۷
۶	ساختار حاکمیت شرکتی	۸
۷	معیارهای بازار	۵
۸	ویژگی‌های فشار سیاسی	۳
۹	ویژگی‌های مدیریتی	۱
۱۰	ویژگی‌های عملکردی	۳
۱۱	راهبردهای شرکت	۳
۱۲	محدودیت‌های مالی	۲
جمع	۱۲ گروه	۴۸ شاخص

بر اساس نتایج جدول ۳، ساختار حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های مقرراتی، معیارهای ریسک و عوامل اقتصادی از جمله گروه‌هایی هستند که بیشترین تنوع شاخص‌های استخراج‌شده را به خود اختصاص داده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که تبیین الگوهای مدیریت سود صرفاً به ویژگی‌های مالی شرکت محدود نیست و مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، نظارتی، حاکمیتی، مدیریتی، بازاری و راهبردی را دربرمی‌گیرد.

۶-۴- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

در مرحله کمی، ۱۵۴ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۳ بررسی شدند. با توجه به دوره زمانی مورد بررسی، در مجموع ۱۳۸۶ مشاهده سال - شرکت در تحلیل نهایی مورد استفاده قرار گرفت. جدول ۴ شاخص‌های توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۴- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
شست‌وشوی بزرگ	۰،۱۷۸	۰،۳۸۲	۰	۱
حداقل سازی سود	۰،۲۶۴	۰،۴۴۱	۰	۱
حداکثر سازی سود	۰،۲۹۱	۰،۴۵۴	۰	۱
هموار سازی سود	۰،۳۱۸	۰،۴۶۶	۰	۱
عوامل اقتصادی	۰،۴۸۶	۰،۱۸۷	۰،۰۷۵	۰،۸۶۱
عوامل صنعت	۰،۴۷۱	۰،۲۲۴	۰،۰۹۱	۰،۸۴۷
کیفیت اطلاعات مالی	۰،۵۲۸	۰،۱۷۶	۰،۱۶۴	۰،۸۷۹
معیارهای ریسک	۰،۴۳۷	۰،۱۹۸	۰،۰۶۸	۰،۹۲۴
ویژگی‌های مقرراتی	۰،۵۶۱	۰،۱۷۳	۰،۱۲۲	۰،۹۰۷

حاکمیت شرکتي	۰،۵۳۸	۰،۱۸۱	۰،۱۴۵	۰،۹۰۲
معیارهای بازار	۰،۴۹۳	۰،۱۹۵	۰،۰۷۹	۰،۸۹۳
فشارهای سیاسی	۰،۵۱۷	۰،۱۶۸	۰،۱۱۹	۰،۸۶۸
ویژگی‌های مدیریتی	۰،۵۰۶	۰،۱۹۱	۰،۱۰۲	۰،۹۱۲
ویژگی‌های عملکردی	۰،۴۷۹	۰،۲۰۳	۰،۰۵۶	۰،۹۱۷
راهبردهای شرکت	۰،۴۶۲	۰،۱۸۹	۰،۰۷۱	۰،۸۸۵
محدودیت‌های مالی	۰،۴۴۸	۰،۲۱۱	۰،۰۴۹	۰،۹۲۶

نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که میانگین چهار الگوی مدیریت سود یکسان نیست. در میان الگوهای مورد بررسی، هموارسازی سود با میانگین ۰،۳۱۸ بیشترین مقدار و شست‌وشوی بزرگ با میانگین ۰،۱۷۸ کمترین مقدار را دارد. این تفاوت با ماهیت این دو الگو سازگار است؛ زیرا شست‌وشوی بزرگ معمولاً به شرایط خاص عملکردی و دوره‌های نامطلوب شدید وابسته است، در حالی که هموارسازی سود می‌تواند در طیف گسترده‌تری از شرایط گزارشگری مشاهده شود.

۵-۶- تحلیل مسیر

با توجه به ماهیت اکتشافی پژوهش و استخراج روابط میان سازه‌ها در مرحله فراترکیب، روابط شناسایی شده در قالب مدل ساختاری پژوهش آزمون شدند. از این‌رو، به‌جای تدوین فرضیه‌های از پیش تعیین شده، معناداری ضرایب مسیر میان گروه‌های عوامل تبیین کننده و چهار الگوی مدیریت سود مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول ۵- نتایج تحلیل مسیر

عوامل تبیین کننده	شست و شوی بزرگ	حداقل سازی سود	حداکثر سازی سود	هموار سازی سود
عوامل اقتصادی	***۰،۱۹۸	۰،۱۵۶	***۰،۲۲۳	***۰،۴۳۴
عوامل صنعت	***۰،۱۸۷	***۰،۲۰۳	۰،۱۵۶	***۰،۲۲۷
کیفیت اطلاعات مالی	۰،۱۴۲	***۰،۳۲۵	***۰،۱۸۴	***۰،۱۹۶
معیارهای ریسک	***۰،۴۶۸	***۰،۲۹۸	***۰،۳۵۶	۰،۱۶۸
ویژگی های مقرراتی	***۰،۲۴۵	-***۰،۳۶۷	-***۰،۱۹۸	***۰،۲۹۸
حاکمیت شرکتی	***۰،۳۱۲	***۰،۲۴۵	***۰،۳۹۸	***۰،۱۹۷
معیارهای بازار	۰،۱۶۷	***۰،۱۹۳	***۰،۴۲۳	***۰،۲۰۳
فشارهای سیاسی	***۰،۲۹۸	***۰،۳۵۶	-***۰،۲۳۴	۰،۱۶۵
ویژگی های مدیریتی	***۰،۱۹۵	۰،۱۸۶	***۰،۳۵۶	***۰،۲۵۶
ویژگی های عملکردی	-***۰،۳۲۱	-***۰،۳۹۸	***۰،۴۶۸	۰،۱۸۸
راهبردهای شرکت	***۰،۲۱۳	***۰،۱۹۸	***۰،۲۵۶	***۰،۳۵۶

محدودیت‌های مالی	***۰,۲۴۶	***۰,۲۳۴	۰,۱۹۷	***۰,۳۲۳
------------------	----------	----------	-------	----------

یادداشت: *، ** و *** به ترتیب بیانگر معناداری در سطوح ۱۰، ۵ و ۱ درصد هستند.

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که عوامل تبیین‌کننده از نظر جهت و شدت اثرگذاری بر چهار الگوی مدیریت سود یکسان نیستند. در الگوی شست‌وشوی بزرگ، معیارهای ریسک با ضریب مسیر ۰,۴۶۸ بیشترین شدت اثر را نشان می‌دهند. همچنین ساختار حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های مقرراتی، عوامل اقتصادی، عوامل صنعت، فشارهای سیاسی، ویژگی‌های مدیریتی، ویژگی‌های عملکردی، راهبردهای شرکت و محدودیت‌های مالی نیز دارای مسیرهای معنادار هستند.

در الگوی حداقل‌سازی سود، ویژگی‌های مقرراتی با ضریب ۰,۳۶۷ - بیشترین شدت رابطه را نشان می‌دهند. کیفیت اطلاعات مالی، معیارهای ریسک، ساختار حاکمیت شرکتی، معیارهای بازار، فشارهای سیاسی، ویژگی‌های عملکردی، راهبردهای شرکت و محدودیت‌های مالی نیز دارای مسیرهای معنادار هستند.

در الگوی حداکثرسازی سود، ویژگی‌های عملکردی با ضریب ۰,۴۶۸ بیشترین شدت اثر را دارند. پس از آن، معیارهای بازار با ضریب ۰,۴۲۳، ساختار حاکمیت شرکتی با ضریب ۰,۳۹۸ و معیارهای ریسک با ضریب ۰,۳۵۶ قرار دارند.

در الگوی هموارسازی سود، عوامل اقتصادی با ضریب ۰,۴۳۴ بیشترین شدت رابطه را نشان می‌دهند. راهبردهای شرکت با ضریب ۰,۳۵۶، محدودیت‌های مالی با ضریب ۰,۳۲۳ و ویژگی‌های مقرراتی با ضریب ۰,۲۹۸ نیز از روابط معنادار برخوردارند.

۶-۶- قدرت تبیین مدل

نتایج مدل ساختاری نشان داد که مجموعه عوامل تبیین‌کننده توانسته‌اند ۵۱,۲ درصد از تغییرات شست‌وشوی بزرگ، ۴۲,۶ درصد از تغییرات حداقل‌سازی سود، ۵۴,۶ درصد از تغییرات حداکثرسازی سود و ۴۸,۷ درصد از تغییرات هموارسازی سود را تبیین کنند.

جدول ۶- ضریب تعیین الگوهای مدیریت سود

الگوی مدیریت سود	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
شست و شوی بزرگ	۰،۵۱۲	۰،۴۹۸
حداقل سازی سود	۰،۴۲۶	۰،۴۱۲
حداکثر سازی سود	۰،۵۴۶	۰،۵۳۲
هموار سازی سود	۰،۴۸۷	۰،۴۷۳

بر اساس نتایج، مدل در تبیین حداکثر سازی سود از بالاترین قدرت تبیینی برخوردار است و پس از آن شست و شوی بزرگ، هموار سازی سود و حداقل سازی سود قرار دارند. با این حال، هر چهار الگوی مدیریت سود از سوی مجموعه عوامل وارد شده به مدل، تا حد قابل توجهی تبیین شده اند.

۶-۷- شاخص های برازش مدل

در ارزیابی برازش مدل، مقدار ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده برابر با ۰،۰۵۸ و مقدار شاخص برازش هنجار شده برابر با ۰،۹۰۷ به دست آمد.

جدول ۷- شاخص های برازش مدل

مقدار	شاخص برازش
۰،۰۵۸	ریشه میانگین مربعات باقیمانده استاندارد شده
۰،۹۰۷	شاخص برازش هنجار شده

۷. بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد عوامل تبیین‌کننده مدیریت سود بر چهار الگوی شست‌وشوی بزرگ، حداقل‌سازی سود، حداکثرسازی سود و هموارسازی سود اثر یکنواختی ندارند و جهت و شدت این روابط با توجه به نوع الگوی مدیریت سود متفاوت است. این یافته با نتایج مرور نظام‌مند لیو و همکاران (۲۰۲۶) همخوان است. آنان با بررسی ۱۱۱ مطالعه درباره هموارسازی سود نشان دادند که عوامل تعیین‌کننده این رفتار در سطوح مختلف گزارشگری مالی، ویژگی‌های شرکت، حاکمیت شرکتی، ویژگی‌های مدیریتی و محیط کلان قرار دارند. تفاوت اصلی پژوهش حاضر با این جریان از ادبیات در آن است که عوامل شناسایی شده را صرفاً برای یک الگوی خاص بررسی نمی‌کند، بلکه آنها را در ارتباط با چهار الگوی متمایز مدیریت سود قرار می‌دهد. بنابراین، نتایج حاضر نشان می‌دهد که چندی بعدی بودن مدیریت سود نه تنها در تنوع عوامل مؤثر، بلکه در تفاوت مسیر و شدت اثرگذاری آنها بر الگوهای مختلف نیز قابل مشاهده است.

در الگوی شست‌وشوی بزرگ، معیارهای ریسک با ضریب مسیر ۰٫۴۶۸، قوی‌ترین رابطه را نشان دادند. این نتیجه با یافته‌های چوی، کریم و ژانگ (۲۰۲۴) هم‌راستا است. آنان در بررسی شست‌وشوی بزرگ نشان دادند که این رفتار با افزایش حق‌الزحمه حسابرسی همراه است و این رابطه در شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی ضعیف‌تر و عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر شدت می‌یابد. در پژوهش حاضر نیز قرار گرفتن معیارهای ریسک در جایگاه قوی‌ترین عامل مرتبط با شست‌وشوی بزرگ نشان می‌دهد که شرایط پریسک شرکت می‌تواند زمینه‌ای برای شکل‌گیری این الگو فراهم کند. از منظر نظریه نمایندگی نیز این نتیجه قابل تبیین است؛ زیرا افزایش عدم اطمینان و پیچیدگی وضعیت شرکت می‌تواند دامنه قضاوت مدیریت و دشواری نظارت مالکان و سایر ذی‌نفعان را افزایش دهد. در چنین شرایطی، امکان استفاده از انعطاف‌پذیری حسابداری برای شناسایی زیان‌ها و هزینه‌های قابل توجه در دوره جاری می‌تواند بیشتر شود.

در الگوی حداقل‌سازی سود، ویژگی‌های مقرراتی با ضریب مسیر ۰٫۳۶۷ - قوی‌ترین رابطه را نشان دادند. این یافته با منطق نظریه نمایندگی و نقش سازوکارهای نظارتی در محدود کردن رفتار فرصت‌طلبانه مدیران سازگار است. در محیطی که نظارت حسابرسی، کمیته حسابرسی و سایر سازوکارهای کنترلی قوی‌تر باشد، امکان استفاده مدیریت از اختیار حسابداری برای کاهش سود گزارش شده می‌تواند محدودتر شود. این نتیجه همچنین با شواهد چوی، کریم و ژانگ (۲۰۲۴) درباره نقش حاکمیت شرکتی در تعدیل رفتار شست‌وشوی بزرگ همخوانی دارد؛ هرچند متغیر وابسته پژوهش حاضر با مطالعه آنان متفاوت است. بنابراین، می‌توان گفت وجه مشترک دو مطالعه، اهمیت سازوکارهای نظارتی در شکل‌دهی به رفتارهای مدیریت سود است، درحالی‌که تفاوت آنها در این است که پژوهش حاضر این رابطه را در قالب الگوی حداقل‌سازی سود و در یک مدل چندعاملی بررسی کرده است.

در همین الگو، ویژگی‌های عملکردی نیز با ضریب ۰،۳۹۸- رابطه معنادار و منفی نشان دادند. این نتیجه در کنار رابطه مثبت ویژگی‌های عملکردی با حداکثرسازی سود با ضریب ۰،۴۶۸، یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش است. به بیان دیگر، یک گروه عامل واحد می‌تواند در ارتباط با دو الگوی متفاوت مدیریت سود، جهت‌های متفاوتی داشته باشد. چنین الگویی با منطق نظریه اثباتی حسابداری سازگار است؛ زیرا انتخاب حسابداری مدیریت تابع یک انگیزه ثابت نیست و بسته به شرایط اقتصادی و قراردادی می‌تواند در جهت افزایش یا کاهش سود قرار گیرد. بنابراین، استفاده از عنوان کلی «مدیریت سود» بدون تفکیک جهت و الگوی رفتار، ممکن است روابط متضاد را در یک شاخص واحد ادغام کرده و موجب تضعیف قدرت تبیین مدل شود. در الگوی حداکثرسازی سود، ویژگی‌های عملکردی با ضریب ۰،۴۶۸، بیشترین رابطه را داشتند و پس از آن معیارهای بازار با ضریب ۰،۴۲۳، و ساختار حاکمیت شرکتی با ضریب ۰،۳۹۸، قرار گرفتند. اهمیت ویژگی‌های عملکردی و بازار با مبانی نظری انگیزه‌های مدیریتی و همچنین منطق نظریه اثباتی حسابداری قابل تبیین است. هنگامی که عملکرد شرکت و ارزیابی بازار از عملکرد مدیریت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، انگیزه‌های مرتبط با حفظ یا تقویت تصویر عملکرد شرکت می‌تواند بر تصمیم‌های گزارشگری اثرگذار باشد. در این زمینه، یافته حاضر با مطالعاتی که بر نقش انگیزه‌های قراردادی و بازار در رفتار مدیریت سود تأکید کرده‌اند، هم جهت است، هرچند شدت و جهت این روابط در محیط بورس اوراق بهادار تهران باید با توجه به شرایط نهادی و اقتصادی ایران تفسیر شود.

در الگوی هموارسازی سود، عوامل اقتصادی با ضریب ۰،۴۳۴، قوی‌ترین رابطه را نشان دادند. این یافته با نتایج لیو و همکاران (۲۰۲۶) سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا آنان در مرور نظام‌مند خود محیط کلان را در کنار ویژگی‌های شرکت، حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های مدیریتی از عوامل مؤثر بر هموارسازی سود معرفی کردند. اهمیت عوامل اقتصادی در پژوهش حاضر را می‌توان با ویژگی‌های محیط اقتصادی ایران نیز تفسیر کرد. نوسانات اقتصادی، تغییرات نرخ ارز، تورم و بی‌ثباتی شرایط فعالیت شرکت‌ها می‌تواند نوسان عملکرد واقعی شرکت را افزایش دهد و در چنین شرایطی، انگیزه یا فرصت مدیریت برای تعدیل نوسان سود گزارش شده تغییر کند. با این حال، این تفسیر صرفاً یک تبیین زمینه‌ای برای یافته پژوهش است و به معنای اثبات رابطه علی میان هر یک از این عوامل اقتصادی و هموارسازی سود نیست.

در مجموع، مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که بخشی از نتایج با ادبیات موجود هم جهت است، اما ارزش افزوده پژوهش در نحوه کنار هم قرار دادن این روابط است. مطالعات پیشین، از جمله پژوهش چوی، کریم و ژانگ (۲۰۲۴)، عمدتاً بر یک رفتار مشخص مانند شست‌وشوی بزرگ تمرکز کرده‌اند و مرور لیو و همکاران (۲۰۲۶) نیز بر ادبیات هموارسازی سود متمرکز بوده است؛ در حالی که پژوهش حاضر چهار الگوی رفتاری را به‌طور همزمان در یک چارچوب

تحلیلی قرار داده است. در نتیجه، تفاوت مشاهده شده در ضرایب مسیر نشان می دهد که عوامل مؤثر بر مدیریت سود را نمی توان مستقل از نوع رفتار مورد بررسی تفسیر کرد.

در مجموع، از ۴۸ مسیر بررسی شده، ۳۸ مسیر معنادار بود. بیشترین ضریب مسیر در شست و شوی بزرگ مربوط به معیارهای ریسک با مقدار ۰،۴۶۸، در حداقل سازی سود مربوط به ویژگی های مقرراتی با مقدار ۰،۳۶۷،-، در حداکثر سازی سود مربوط به ویژگی های عملکردی با مقدار ۰،۴۶۸، و در هموار سازی سود مربوط به عوامل اقتصادی با مقدار ۰،۴۳۴، بود. این تفاوت ها نشان می دهد که چهار الگوی مدیریت سود، اگرچه در چارچوب کلی رفتار گزارشگری مدیریت قرار می گیرند، از نظر عوامل غالب و مسیرهای اثرگذاری یکسان نیستند. بنابراین، یافته های پژوهش از ضرورت تفکیک الگوهای مدیریت سود در مطالعات تجربی و تحلیل جداگانه عوامل مؤثر بر هر یک حمایت می کند.

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر الگوهای مختلف مدیریت سود و تبیین مسیرهای اثرگذاری آنها در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. یافته های مرحله فراترکیب نشان داد که عوامل مؤثر بر مدیریت سود را می توان در ۱۲ گروه شامل عوامل اقتصادی، عوامل صنعت، کیفیت اطلاعات مالی، معیارهای ریسک، ویژگی های مقرراتی، ساختار حاکمیت شرکتی، معیارهای بازار، فشارهای سیاسی، ویژگی های مدیریتی، ویژگی های عملکردی، راهبردهای شرکت و محدودیت های مالی طبقه بندی کرد. نتایج مرحله کمی نیز نشان داد که این عوامل در ارتباط با چهار الگوی مدیریت سود از مسیرها و شدت های متفاوتی برخوردارند. از این رو، پژوهش حاضر نشان می دهد که مفهوم مدیریت سود را نمی توان به عنوان رفتاری یکنواخت در نظر گرفت و تفکیک الگوهای رفتاری می تواند درک دقیق تری از سازوکارهای گزارشگری مالی فراهم کند.

با توجه به نقش معیارهای ریسک در تبیین شست و شوی بزرگ، پیشنهاد می شود حسابرسان و نهادهای نظارتی در شرکت های دارای ریسک بالا، بررسی کاهش ارزش دارایی ها، ذخایر، هزینه های غیرعادی و اقلام تعهدی را با حساسیت بیشتری انجام دهند. همچنین، با توجه به رابطه منفی ویژگی های مقرراتی با حداقل سازی سود، تقویت سازوکارهای نظارتی، استقلال و تخصص کمیته های حسابرسی و افزایش کیفیت نظارت بر فرایند گزارشگری مالی می تواند مورد توجه قرار گیرد. با توجه به نقش ویژگی های عملکردی و معیارهای بازار در تبیین حداکثر سازی سود، پیشنهاد می شود ارزیابی عملکرد مدیران صرفاً بر سود حسابداری متکی نباشد و شاخص هایی مانند جریان های نقدی، کیفیت سود، عملکرد عملیاتی و شرایط صنعت نیز در ارزیابی عملکرد مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، با توجه به اهمیت عوامل اقتصادی در تبیین هموار سازی سود، تحلیلگران و سرمایه گذاران بهتر است هنگام ارزیابی کیفیت سود، شرایط اقتصادی و نوسانات محیط فعالیت شرکت را نیز در کنار اطلاعات مالی شرکت مورد توجه قرار دهند. در نهایت، پیشنهاد می شود پژوهش های آتی، مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت

سود واقعی را به صورت همزمان بررسی کنند تا مشخص شود آیا عوامل شناسایی شده در این پژوهش در هر دو نوع رفتار، مسیرهای مشابه یا متفاوتی ایجاد می کنند.

منابع

- Al-Asfour, F. (۲۰۲۶). Earnings Management Revisited: A Synthesis of Theory, Evidence, and Measurement from the ۱۰۰ Most Influential Studies. *International Journal of Financial Studies*, ۱۴(۶), ۱۶۱.
- Choi, H., Karim, K., & Zhang, Y. (۲۰۲۴). Earnings management risk and audit pricing: Evidence from big bath accounting. *Journal of Business Finance & Accounting*, ۵۱(۷-۸), ۱۷۸۹-۱۸۲۷. <https://doi.org/۱۰.۱۱۱۱/jbfa.۱۲۷۶۴>
- Dechow, P. M., Sloan, R. G., & Sweeney, A. P. (۱۹۹۵). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, ۷۰(۲), ۱۹۳-۲۲۵.
- Hair, J. F., Hult, G. T. M., Ringle, C. M., & Sarstedt, M. (۲۰۱۴). *A Primer on Partial Least Squares Structural Equation Modeling*. Sage.
- Hartlieb, S., & Loy, T. R. (۲۰۲۲). The impact of cost stickiness on financial reporting: evidence from income smoothing. *Accounting & Finance*, ۶۲(۳), ۳۹۱۳-۳۹۵۰. <https://doi.org/۱۰.۱۱۱۱/acfi.۱۲۹۱۰>
- Jones, J. J. (۱۹۹۱). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, ۲۹(۲), ۱۹۳-۲۲۸.
- Liu, Y., Luong, H., Ranasinghe, D., & Habib, A. (۲۰۲۶). Income smoothing: A review of the international literature. *Journal of Accounting Literature*, ۴۸(۵), ۲۴۸-۳۰۱. <https://doi.org/۱۰.۱۱۰۸/JAL-۰۷-۲۰۲۵-۰۳۲۷>
- Lizińska, J., & Czapiewski, L. (۲۰۲۳). Earnings Management amid the COVID-۱۹ Financial Crisis: The Experience of Poland. *Gospodarka Narodowa. The Polish Journal of Economics*, ۳۱۳(۱), ۹۳-۱۱۲. <https://doi.org/۱۰.۳۳۱۱۹/GN/۱۵۹۰۳۲>
- Sandelowski, M., & Barroso, J. (۲۰۰۷). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer.

Identifying the Factors Affecting Earnings Management Patterns: A Meta-Synthesis and Path Analysis

Masoud Hajizadeh, Rasoul Baradaran Hassanzadeh *, Younes Badavar Nahandi

۱. Department of Accounting, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

۲-Department of Accounting, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran. ۱۳۷۵۸۰۱۰۴۱@iau.ir

۳.Department of Accounting, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

Abstract

Earnings management is a multidimensional phenomenon and is not necessarily confined to a single behavior aimed at increasing or decreasing reported earnings. Depending on performance, economic, regulatory, and contractual conditions, managers may employ different patterns, including big bath accounting, income minimization, income maximization, and income smoothing. Therefore, examining earnings management as a single construct may obscure differences in the factors underlying various forms of this behavior. This study aims to identify the factors influencing the four patterns of earnings management and to explain the pathways through which these factors affect them. The study is applied in terms of purpose and descriptive-correlational in terms of research method, employing an exploratory mixed-methods approach. In the qualitative phase, ۷۱۳ initial studies were identified, and following screening and quality assessment, ۱۵۷ studies, comprising ۱۳۵ international and ۲۲ Iranian studies, were selected as the basis for extracting the relevant factors. The findings of the qualitative phase organized the determinants of earnings management into ۱۲ major groups. In the quantitative phase, data from ۱۵۴ firms listed on the Tehran Stock Exchange over the period ۲۰۱۶–۲۰۲۴ were examined, yielding ۱,۳۸۶ firm-year observations. The data were analyzed using partial least squares structural equation modeling. Of the ۴۸ structural paths examined, ۳۸ were statistically significant. The results indicate that the pathways through which the identified factors affect different earnings management patterns are not uniform. Risk criteria had the strongest effect on big bath accounting, regulatory characteristics had the strongest absolute effect on income minimization, performance characteristics had the strongest effect on income maximization, and economic variables had the strongest effect on income smoothing. These findings highlight the importance of distinguishing among different earnings management patterns when analyzing the determinants of financial reporting behavior.

Keywords: Earnings management, big bath accounting, income minimization, income maximization, income smoothing, meta-synthesis, path analysis.